



نیشتر

توضیح: در فرهنگ معین، "نیشتر" چنین معنی شده است: آلت فلزی نوک تیز که فصادان (رگزنهای) و جراحان به جایی از بدن فرو برند تا خون یا چرک بیرون آید. آلت رگزدن هم گفته میشود. نیشتر زدن نیز در همین فرهنگ معنای نیشتر به عضوی از بدن زدن است تا خون و چرک از آن خارج شود.

آمپول و سرنگ خورده اید، بفرمایید که آمپول ارزان است یا سرنگ گران؟ ضمناً "اگر ما نتوانیم آمپول ۲ تومانی را با سرنگ ده تومانی به قیمت ۲۵ تومانی تزریق کنیم، پس چکار کنیم؟ خدمتتان عرض شود که، نه آمپول ارزان است و نه سرنگ گران. آمپول ۲ تومانی با ارز دولتی است و سرنگ ده تومانی با ارز مفارقتی! ضمناً "تزریق ۲۵ تومانی هم با نرخ "بازار سیاه" است. حالا اگر سوال بفرمایید که چرا این قیمتها با هم نمی خوانند؟ جواب عرض خواهیم کرد که خروشک! گرفته اند. برای شما

الو، حکیم باشی.
— تشریف ندارند.
— جنابعالی کی باشد؟
— بندنه "کل اکبر" دستیار حکیم باشی هست.
— اهری هست، بفرمایید.
— دیروز رفتم نسخه حکیم باشی را بگیرم،
— گویند آمپول ۲ تومان، سرنگ ده تومان!
— شما که بقول خودتان دستیار حکیم باشی هستی و حتماً "با ایشان دود یک چراغ را

عهده یک اداره بوده است) در رتق و فتق امور
ادویه پیشافتی چشمگیر داشته و عطاری ها را
(در همان سنگ نبشه آمده که عطاری ها
مسئولیت توزیع ادویه راهم عهد دار بوده اند)
از ادویه های ریز و درشت و رنگارنگ ابا شده
بود . این اداره همچنین ابزار آلات " نیشور -
زنی " مریضها را هم آنقدر جمع آورده بود
که بیماران بدون نوبت ابه مریض خانه مراجعت
و مداوا می شدند . در این کشور باستانی
شخصی " طبیبیوس " نام مشغول فراغیری طب !
بود که مشکلش مجرد بودنش بود ! مسئولین
این اداره برای اینکه " طبیبیوس " دلسرد نشده
و با آسودگی بیشتری برای خدمت به مردم
باستان طب بخواند ، تصمیم گرفتند تا ۵۰
هزار دینار ! بعنوان " قرض الازدواج " ! در
اختیارش قرار دهند .

" طبیبیوس " وقتی این شنید آنچنان از جایش
پرید که نزدیک بود طب خواندن از یادش
برود . در انتهای سنگ نبشه نیز چنین آمده
که برای تکمیل این کار بزرگ و این امر خطیر
یک عدد بیچال نفتی (در آن زمان هنوز برق
اختراع نشده بود) نیز به " طبیبیوس " پیشکش
شده بود !

سؤال و جواب :

گفتم : دکتر جون ، این قرصها اشتباهه !

گفت : نسخه هات را ببینم .

گفتم : بفرما ، اینهم نسخه ام .

گفت : نه جانم ، خود خود شده .

گفتم : پس چرا مثل " چچ " می مونه !

گفت : میخواستی قرص یک قرانی مثل " آبنبات

قیچی " باشد ؟

نمی خوانند . والا برای آنها که بلدند ساز
بزنند ! هم می خوانند ، هم می رقصند !
دوما " هیچ اجباری نداری که آمیول را بزنی !
آنرا در یک لیوان شربت آب لیمو بشکن ! چهار
بار دور خودت بچرخ ! سه تا فوت به لیوان
شربت و چهار تا فوت هم به خودت بکن !
ولیوان را تا ته نوش جان نما ! ما همین کار
را کردیم و شفا گرفتیم !

- پس شما که دستیار حکیم باشی هستی به
ایشان بفرما که برای مریضها بجای آمیول ،
منبعد کل کاوزبان و خارشترودم گیلاس بنویسد !
- تا خواستم از همین پشت تلفن محکم بزنم
توی گوشش ! تلفن خرخی کرد و قطع شد .

شربت سینه

گفتم : شربت سینه داری ؟

گفت : برای کی میخوای ؟

گفتم : برای خودم می خوام .

گفت : اینهم یک " اکسپکتورانت " فرد اعلای
حالمن !

گفتم : این که ناخالصی ! داره .

گفت : ناخالصی نیست . کرم از خود درخته !

تکون بدی حل میشه !

گفتم : کرم نیست ، مگسه !

گفت : پس می خواستی توی شربت هفت تومنی
" ران مرغ " باشد ؟

حکایت

حکایت کرده اند که در اعصار پیشین و در
کشوری باستانی ، اداره فرهنگ و تدرستی (در
سنگ نبشه های که بدست حکیم باشی رسیده ،
در این کشور باستانی ، این دو امر خطیر به